

## طراحی ورودی شهرهای امروز با بهره‌گیری از هویت مندی شهرهای دیروز ایران

علیرضا عبدالله زاده فرد<sup>۱</sup>، مجید رحمانی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفاشهر، صفاشهر، ایران

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران

### چکیده

هویت یک چیز را می‌توان بازتاب و تبلور صفات و مشخصاتی از چیزی دانست که عمدتاً وجه تمایز آن را با چیزهای دیگر فراهم می‌کند و وجود مشخصه‌های مشترک نیز سنجه تکمیلی هویت است که این همانی‌های چند چیز در یک گروه همانی‌های خاص را تبیین می‌کند. در کل وقتی سخن از هویت ورودی شهر به میان می‌آید تصویری از وجه مشترک و تمایزات ورودی آن شهر نسبت به شهرهای دیگر در ذهن انسان تداعی و نقش می‌بندد. هویت ورودی شهرها زمانی در اذهان تبلور می‌شود که تصور از یک شهر، درپیش‌های ذهنی ادراک محیط از کانالی عبور می‌کند که با کانال تصور شهر دیگر فرق می‌کند. هدف از این پژوهش بررسی هویت مندی شهرهای اسلامی و قدیمی در طراحی ورودی‌ها بوده تا بتوان در نهایت راهکارهایی را جهت بازتاب این هویت مندی در طراحی ورودی‌های شهر معاصر بکار بست. روش تحقیق بکار گرفته شده در این پژوهش تحلیل محتوای کیفی می‌باشد که روش جمع‌آوری اطلاعات در آن بصورت کتابخانه‌ای یا اسنادی انجام گرفته است.

**کلمات کلیدی:** طراحی، ورودی، هویت مندی، شهر معاصر، شهر اسلامی

## ۱. مقدمه

فضای ورودی چه در بنا و چه در شهر از اهمیت بالایی برخوردار است و می تواند به عنوان بستری برای یک تجربه مطبوع انسانی عمل کند و بنابراین ورود و خروج را آگاهانه نماید.

ورودی شهر فضای واسط و حوزه های انتقالی میان محیط مصنوع شهر و محیط های پیرامون آن هستند. این فضاهای واسط ضمن آنکه از مختصات نسبی هر دو محیط مصنوع و طبیعی برخوردارند از وجود شخصیتی مستقلی نیز بهره مندند. همچنین این فضای رمز آلود فضایی را به وجود می آورد که آن را آستانه می نامند و این فضا با استفاده از ابزارهای واسط تبدیل به فضایی با معنی و هدفمند شده و به ایجاد حس هویت می انجامند و یکی از موثرترین نقاط هر شهر، مناظر ورودی آن شهر بوده که تاثیر گذارترین خاطره ی هر شهر نیز نشأت گرفته از آن می باشد (نظام مهندسی خراسان شمالی، ۱۳۹۲: ۴۴).

ورودی یک شهر نقش بسیار مهمی در شکل گیری تصویر ذهنی مسافران از آن شهر دارد و معمولا یکی از متغیرهای موثر در قضاوت تازه واردین در مورد کلیت شهر محسوب می شود.

ورودی شهر همانند مقدمه یک کتاب است و هر چقدر مقدمه سلیس تر و روان تر نوشته شده باشد خواندن ادامه کتاب برای مخاطب جذاب تر خواهد بود. به همین نسبت هر چه ورودی یک شهر زیبا و خوانا باشد تصویر ذهنی بیننده از شهر بهتر و دل نشین تر خواهد بود.

ورودی شهر می تواند نماد و نشانه شهر و نماینده فرهنگ و معماری مردم باشد، زیرا عنصری از شهر است که حین عبور از شهر و در بدو ورود به آن نیز دیده می شود. (دانش زیبا سازی شهری، ج ۲۰، ۹۲: ۱۴-۱۵).

از طرف دیگر مبادی ورودی شهر یکی از اصلی ترین اجزای ساختار کالبدی و فضایی شهر محسوب می شود که به لحاظ کارکردهای متعدد از اهمیت خاصی در برنامه ریزی شهری برخوردار است. عمدتا محور مبادی ورودی شهر با کانون های عمده ی کار و فعالیت شبکه ی اصلی ارتباطی پیوند می خورد و نقشی مهم در سازمان یابی فضایی انواع کاربری های شهری ایفا می کند. این حوزه می تواند در جهت یابی گسترش کالبدی شهر و در نهایت ساختار کالبدی آن نیز به عنوان یک متغیر اثرگذار نقش آفرینی کند (قدمی، ۹۰).

## ۲. پیشینه پژوهش

عنصر مهم و شاخص فضای ورودی در شهرهای قدیم دروازه است. معمولا فضای ورودی شهرهای دوران گذشته با دروازه شناخته می شد. دروازه و فضای پیرامون آنها از فضاهای مهم شهری به شمار می آمدند و به سبب موقعیت و نقش ارتباطی خاصی که داشتند، مکان استقرار و جریان بعضی از فعالیت های اجتماعی و اقتصادی بودند. البته همه دروازه های یک شهر دارای خصوصیات کالبدی و کارکردی یکسان نبودند. دروازه ها در شهرهای قدیم به دو دسته تقسیم می شدند، دروازه های درونی که در درون شهر جای داشتند و شامل دروازه های محله ای، دروازه های بازار و دروازه های حکومتی مربوط به ارگ و یا قلعه بودند و دروازه های بیرونی که ورودی شهرها به شمار می آمدند، در حصار شهر جای داشتند (دانش زیبا سازی شهری، ج ۲۰، ۹۲: ۱۶-۱۷).

شهرهای ایرانی پیش از اسلام، به ویژه در دوران هخامنشی و ساسانی، بر مبنای باورهای دینی و متأثر از جهان بینی مردم ساخته می شد. این شهرها معمولا به حصار ختم می گشت که چهار دروازه به چهار سوی عالم داشت و یادآور جهات چهار گانه بود.

در این جهان بینی شهر با زمین، به عنوان مرکز عالم، مقایسه می شد و از طریق دروازه های خود با کل عالم هستی، که به چهار قسمت تقسیم می شد، ارتباط می یافت. بنابراین دروازه های شهر، علاوه بر دو عملکرد برقراری ارتباط و نمایش جهات چهار گانه، دارای مفهومی فلسفی بوده اند.



تصویر ۱: داراب گرد، فارس

(برگرفته شده از کتاب زیبا سازی مبادی ورودی شهر، دانش زیبا سازی شهری جلد ۲۰، ۹۲:۱۷)

در دوره ساسانی، بازار در اطراف ورودی و دروازه شهر گسترش یافت و میدان با عملکردهای مختلف نظیر اعلام فرمان های دولت، بخشودگی و مجازات ها در مقابل آن شکل گرفت. به این ترتیب فضایی پیرامون دروازه ورودی شکل گرفت و زمینه بسط مفهوم ورودی، که با عنصر شاخص دروازه تعریف می شد، برای عبور از یک مرز یا سطح عمودی به فضایی خاص از نظر عملکردی فراهم شد. ساختار این فضا، که از دیدگاه های ریخت شناسی هنوز فضای خاصی نبود، در فضای ورودی شهرها بعد از اسلام نیز وجود داشت و در دوران صفویه به تکامل رسید (حبیبی، ۱۳۷۵).

### ۳. روش تحقیق

روش تحقیق وسیله یا طریقه تعیین این امر است که چگونه یک گزاره تحقیق مورد تأیید قرار می گیرد یا رد می شود به عبارت دیگر روش تحقیق، چارچوب عملیات یا اقدامات جستجو گرایانه برای تحقق هدف پژوهش جهت آزمون فرضیه یا پاسخ دادن به سئوالهای تحقیق را فراهم می آورد (بازرگان، سرمد، و حجازی، ۱۳۸۵).

**روش جمع آوری اطلاعات:** از آنجائیکه روش تحقیق همواره تابع موضوع تحقیق می باشد، با توجه به موضوع تحقیق حاضر از دو روش اصلی به منظور جمع آوری اطلاعات استفاده شده است: ۱- روش اسنادی ۲- روش پیمایشی.

**جامعه آماری و حجم نمونه:** با توجه به اینکه در تعریف های عام شمول یونسکو، پژوهشگر به فردی گفته می شود که به طور تمام وقت به تحقیق اشتغال داشته باشد و از نظر اقتصادی نیز مهمترین فعالیت و منبع درآمدی وی پژوهش باشد و همچنین به طور معمول افراد دارای مدرک تحصیلی لیسانس، فوق لیسانس و دکترای حرفه ای در زمره پژوهشگران به حساب می آیند.

**روش تحقیق:** در این پژوهش روش تحقیق بکار گرفته شده از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد و روش جمع آوری اطلاعات از نوع کتابخانه ای و میدانی و پیمایشی می باشد. در این روش محقق از مهم ترین ابزار خود یعنی فیش برداری استفاده کرده است و با مراجعه به همه منابع شناسایی شده از قبل، مطالب مهم و مورد نیاز را در فیش های تحقیق البته با ذکر دقیق مشخصات منبع مورد استفاده، نگاشته است و در ادامه با استفاده از ابزار مشاهده و مصاحبه در محیط و در نهایت روش تحلیل محتوای کیفی به تجزیه و تحلیل اطلاعات دریافتی مبادرت شده است (Statistical Yearbook, Unesco ۱۹۹۸:۱۱۶).

### ۴. نتایج و بحث

چگونگی هویت بخشی به ورودی های شهر

هویت مکان

بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی او را می سازد مکانی است که خود را با آن می شناسد و به دیگران می شناساند، هنگامی که راجع به خود فکر می کند خود را متصل به آن مکان می داند و آن مکان را بخشی از خود می شمارد. میان شما و آن مکان رابطه ای عمیق وجود دارد. رابطه ای عمیق تر از صرف بودن و با تجربه کردن آن مکان، این رابطه را می توان به خودهمانی با فضا تعبیر کرد (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۶۵).

البته باید توجه داشت که در ادراک یک فضا، عواملی مختلفی دخالت دارند که نتیجه تجزیه و تحلیل صرف یک کلیت نیست، بلکه به واسطه ادراک مستقیم مسایل ذخیره شده در طول زمان است. بنابراین ادراک هر فضا و به ویژه فرآیند انطباق آن تنها برگرفته از رفتارهای غریزی ما نبوده بلکه منتج از زمینه های فرهنگی و اجتماعی نیز به شمار می رود و زمانی می توانیم فضایی را شناخته و از آن استفاده کنیم که به معنای نمادین فرهنگی - اجتماعی آن واقف باشیم، در صورت عدم درک آن معنا فضا را به درستی نفهمیده و یا از آن احساس راحتی نخواهیم کرد. در این صورت از ناهمخوانی فضا با انسان سخن به میان می آید. ناهمخوانی فضا با انسان موجبات عدم ارتباط یا ضعف ارتباط را فراهم می آورد و در نتیجه احساس این همانی کمتری بین شخص و فضا به وجود می آید چون تداوم این همانی موجب به وجود آمدن هویت می شود. لذا بین فرد و فضای ناهمخوان عامل هویتی پیدا نمی شود. در نتیجه صورت تداوم عدم ارتباط ما بین فضا و فرد با پدیده ای به عنوان بحران هویت مواجه می شویم (پاکزاد، ۱۳۷۵ ش ۲۲-۲۱: ۱۰۴).

### هویت مکانی

هویت مکانی بخشی از زیر ساخت هویت فردی انسان و حاصل شناخت های عمومی او درباره جهان فیزیکی است که انسان در آن زندگی می کند.

پروشانسکی به اهمیت رابطه متعادل بین هویت مکانی فرد و ویژگی های محیط بیرونی تاکید می کند. انسان طی زمان برای خود هویت مکانی قایل می شود این هویت مکانی خود تصویری مستقل در ذهن فرد می شود. اگر شرایط بیرونی که فرد در ارتباط با آن قرار می گیرد و تصویر ذهنی وی که در واقع سطح انتظار او را نشان می دهد یکسان نباشد، شخص تلاش می کند از راههای مختلف این انطباق را به وجود آورد و سیستم ذهن خود و فضای بیرون را به تعادل برساند. این امر هم در مورد مسایل ادراکی و هم رفتاری صادق است. برای رسیدن به این تعادل ها سه راه حل متداول را شناسایی می کند، نخستین راه حل انطباق محیط یا به عبارت دیگر تغییر محیط و رساندن آن به سطح کیفی هویت مکانی ذهن شخص است. تفاوت عمده ای که در فضای مسکن ایرانی با محیط شهری آن به چشم می خورد، حاصل همین تلاش است. راه حل دوم انطباق خود یا به عبارت دیگر تغییر دادن خود است این امر مستلزم پایین آوردن سطح انتظار در واقع، پذیرفتن هویت مکانی جدید است این امر هر چند سخت تر انجام می شود اما انجام پذیر است.

سومین راه حل، در واقع، عکس العملی است که منجر به تنش در شخص یا برش از محیط می شود. در صورتی که شخص نه بتواند محیط را مطابق میل خود تغییر دهد و نه بتواند تصویر ذهنی خویش را تغییر دهد این عدم تطابق از آستانه شخص گذشته و وی را به شرایط عکس العملی وا می دارد.

در شرایط عکس العملی یا برش از محیط حاصل می شود و یا اگر امکان برش و یا به دلایل مختلف تمایل برش نبود، تنش به حد بحرانی رسیده و مشکلات روانی جدی برای شخص ایجاد می کند. پدیده مهاجرت یا فرم منطقی آن، یعنی، مسافرت نمونه هایی از بروز عکس العمل برش از محیط است.

حاصل عکس العمل از نوع دوم یعنی تنش با محیط انواع افسردگی ها و پرخاشگری هایی است که در جامعه شهری ایران به وفور شاهد آن هستیم و در رفتار های شهری مردم بروز علنی آن را می بینیم (رضا زاده، ۱۳۸۰: ۶-۸).

پروشانسکی نخستین بار به طرح مسئله رابطه شهر و شخصیت پرداخت و سپس با جمعی از همکارانش نظریه هویت مکانی را طرح کرد، طبق این نظریه فضاهای تجربه شده بخشی از هویت مکانی به دست می دهند. هویت مکانی بخشی از زیر ساخت

هویت فردی انسان و حاصل شناخت های عمومی او درباره جهان فیزیکی است که انسان در آن زندگی می کند این شناخت ها شامل خاطرات، ایده ها، احساسات، دیدگاه ها، ارزش ها، ترجیحات، مفاهیم و ایده آل های رفتاری و تجربی انسان در رابطه با محیط های متنوع و پیچیده فیزیکی است که فضای تجربی انسان اعم از ادراک و رفتار را به وجود می آورد (بهزادفر، مصطفی، هویت شهر - ۶۶:۹۰).

مارکولالی جنبه های خاص تری از هویت مکانی را تعریف کرده و با توجه به انسان شهرنشین آن را هویت مرتبط با شهر نامیده است. به عقیده او هویت مرتبط با شهر حاصل پیوند عمیق میان فرد و محیط شهری اوست. در این روند شهر نماد کلی خزانه تجربه های شخصی فرد است که هم تداوم زمانی را تضمین می کند و هم احساس خاص بودن را برای وی فراهم می آورد.

به عقیده لالی هویت مرتبط با شهر تاثیری مثبت بر توانایی و اتکا به نفس شهروندان دارد و شهروندان یک شهر را غیر شهروندان آن متمایز می سازد (رضازاده، ۱۳۸۰: ۶).

### تفاوت هویت مکانی و هویت مکان

باید بین هویت مکانی و هویت مکان تفاوت قایل شد، هویت مکانی به عنوان بخشی از هویت فرد مطرح است. اما هویت مکان به ویژگی هایی قابل تشخیص مکان بیرونی اشاره دارد. هویت مکانی فرد می تواند منبث از مکانی بی هویت یا با هویت باشد. باید توجه داشت که هویت مکان بر کیفیت هویت مکانی اثر می گذارد اما خود مفهومی جداگانه است.

در شکل گیری هویت مکانی دو مرحله وجود دارد. در مرحله اول نخست فرد محیط را شناسایی می کند که هویت مکان نامیده می شود. در مرحله دوم فرآیند پیوند روانی با مکان صورت می گیرد و به شکل هویت مکانی تداوم می یابد. در مطالعات و بررسی های انجام گرفته مشخص شده است که ارزیابی مثبت از محیط و کیفیت شهر بر عمق شناسایی شخص از محیط و هویت مکانی او اثر می گذارد. بطور مشخص می توان گفت کسانی که دارای هویت مکانی قوی تری هستند یا به عبارت دیگر خود را با شهر خود هم پیوند می دانند در واقع ارزیابی مثبت تری از کیفیت محیط شهر خود دارند هم پیوندی به معنی تعلق مکانی است و هویت مکانی قوی تر، یکی از موجبات آن است (رضازاده، ۱۳۸۰: ۶).

### نابودی حس موقعیت و هویت مکان

شهرها در حال تغییر شکل به مکان های فاقد معنی و هویت در ورای ادراک شهروندان می باشند. چندی است که ما دیگر درباره ریشه های دنیای اطرافمان آگاهی نداریم و به ندرت می دانیم مواد و محصولات از کجا می آیند، چه کسی مالک چیست! چه کسی در پشت چیست و اساسا چه مقصودی در کار بوده است. ما در شهرهایی زندگی می کنیم که وقایع بدون اخطار اتفاق می افتند بدون هیچ گونه مشارکتی از سوی ما و این یک دنیای بیگانه برای بسیاری از شهروندان است به همین علت، جای تعجب نیست که چرا عده ای، از مشارکت های شهری، خود را منزوی می کنند و سعی دارند از زندگی مخصوص و محدود خود لذت ببرند (رضازاده، ۱۳۸۰: ۶)

### ویژگی های فضاهای ورودی شهرهای قدیم

ویژگی های فضای ورودی شهرها نیز، متأثر از فرهنگ و سنن اجتماعی، دارای ویژگی های ادراکی و عملکردی بود. این ویژگی ها در فضای ورودی شهرها عمدتاً حاصل فعالیت هایی است که در آن فضا جریان داشت. البته خصوصیات کالبدی فضای ورودی، از اهمیت بسیار زیادی در ایفای اصلی ترین نقش آن، یعنی ارتباط فیزیکی برخوردار است، اما دارای پیچیدگی فضای ورودی یک بنا نمی باشد. به همین دلیل، عوامل ایجاد کننده ی ویژگی ادراکی و عملکردی فضای ورودی شهرها، در برخی موارد با عوامل ایجاد کننده این ویژگی ها در فضای ورودی یک بنا، که جزء فضاهای آن می باشند، متفاوت است.

ویژگی های ادراکی فضای ورودی شهرهای قدیم ایران عبارتند از:

- دعوت کردن، به دلیل عملکرد اجتماعی و پویایی فضای باز مقابل دروازه شهر
- هویت بخشیدن اهمیت دادن به دروازه و تزئینات آن و شاخص نمودن دروازه
- ایجاد حس ورود عبور از دروازه به عنوان مرز جدا کننده دو فضا
- آماده ساختن برای درک فضای جدید فضای باز مقابل دروازه با عملکرد اجتماعی
- برقراری ارتباط ادراکی و بصری بین دو فضا وجود دروازه و فعالیتی که در فضای مجاور آن جریان داشت
- ویژگی های عملکردی فضای ورودی شهرهای قدیم ایران عبارتند از:
- برقراری ارتباط فیزیکی بین دو فضای دروازه
- تامین امنیت و نظارت بر ارتباط (دروازه، برج های دفاعی)
- هدایت قرار گیری دروازه اصلی در مسیری که مستقیماً به مرکز شهر و بازار ارتباط داشت
- معرفی شهر به وسیله کتیبه هایی که بر سر دروازه ورودی های مهم نوشته می شد
- حضور فضای ورودی در فعالیت های روزمره ی شهر، فضای باز مقابل دروازه ی ورودی با عملکرد اجتماعی و اقتصادی

ورودی های همه شهرهای ایران واجد تمامی این خصوصیات نبود و بر حسب اهمیت ورودی و شهر مورد نظر، از نظر دارا بودن بخشی و یا کلیه این ویژگی ها با یکدیگر متفاوت بوده اند (بحرینی، ۱۳۸۲).

مقایسه ی بین ویژگی های ورودی یک بنا و شهر در گذشته نمایانگر وجود تشابه هایی میان آنهاست. به نظر می رسد همان اهدافی که موجب شده تا فضای ورودی یک بنا شکل بگیرد و تکامل یابد، در شکل گیری فضای ورودی به شهر نیز، نقش داشته و علت تفاوت در ساختار کالبدی ورودی بنا و شهر، تفاوت در میزان خاصی بودن این فضاها و روش پاسخ گویی به این اهداف است و ایجاب می نماید که ساختار کالبدی فضای ورودی بنا بسیار پیچیده تر از ورودی شهر باشد. به طور کلی فضای ورودی شهرهای قدیم ایران، همانند بناها فضاهایی با ماهیت انعطاف پذیر بود که می توانست همانند یک مفصل، خود را با ویژگی های هر دو فضایی که به هم پیوند می یابند، منطبق سازد. ورودی شهرها در گذشته، فضای آماده شدن برای آزمودن تجربه های جدید بود. فضایی برای پیوند میان آنچه که گذشت و آنچه که پیش روست. فضایی که شخص در آن می آموزد تا برای آزمودن تجربه های جدید آماده شود.

### ورودی شهرهای کنونی ایران

توسعه ی سریع و پرشتاب شهرها و اشغال بی رویه ی اراضی در فراسوی مرزهای آن، موجب تحولات چشم گیری در سیمای حومه و حاشیه های شهرها شده است. این نواحی با سازمان و ساختار فضایی و کالبدی منفصل، پراکنده، بدون انسجام و فاقد هویت از یک سو با نواحی روستایی و یا عرصه های طبیعی و از سوی دیگر با جوامع شهری، تداخل نموده و یا تغییر شکل نواحی روستایی، سیمایی نه کاملاً شهری و یا روستایی را بوجود آوردند. این نواحی عموماً در حول و حوش مسیرهای ارتباطی شهرها شکل گرفته و نیروی حیاتی خود را از آن می گیرند.

این نواحی منظر ورودی اغلب شهرهای امروزی ایران را تشکیل می دهند. از مشاهدات میدانی فضاهای ورودی شهرها نتایج زیر حاصل شده است:

- فضاهای ورودی شهرها، غالباً فاقد ساختاری مشخص و متمایز می باشند.
- فضاهای ورودی شهرها، غالباً فاقد هویت بوده و در اثر اغتشاشات بصری و محیطی به هویت شهرها آسیب می رسانند.
- کاربری هایی با سیمای نامطلوب نظیر تعمیرگاه ها، اسقاطی ها و ... منظر ورودی اغلب شهرها را تشکیل می دهند.

- در غیاب سیمای طبیعی ویژه و شاخص، عامل و یا ویژگی خاصی که فضای ورودی یک شهر را از شهرهای دیگر منطقه متمایز و مشخص گرداند، در فضای ورودی اغلب شهرها، وجود ندارد.
- هدایت و راهنمایی تازه واردین به نقاط مختلف شهر به خوبی صورت نمی گیرد.
- تابلوهای معرفی کننده ی شهرها اغلب در مکان های نامناسب و با کیفیت و اندازه ی نامتناسب قرار گرفته و به راحتی قابل رویت نمی باشند.
- در صورت وجود عناصر ارزشمند و نمادین تاریخی و طبیعی، این عناصر اغلب در میان اغتشاشات بصری و محیطی فضاهای ورودی گم شده اند.
- فضاهای ورودی شهرها غالباً فاقد جذابیت بصری بوده و انگیزه ای برای ورود به شهر ایجاد نمی کنند.
- به دلیل فقدان ساختاری مشخص، در این فضاها غالباً حس ورود به شهر در شخص ایجاد نمی شود.
- در صورت وجود عناصر طبیعی با ارزش نظیر پوشش گیاهی و یا برجستگی و تنوع شکل زمین، در داخل و یا پیرامون فضای ورودی شهر از تاثیر نامطلوب اغتشاشات محیطی و بصری تا حدی کاسته می شود.
- در ورودی شهرهایی که فاقد منظر طبیعی هستند، تاثیر منفی اغتشاشات محیطی و بصری مشهودتر است.
- به دلیل پایین بودن کیفیت محیطی و وجود برخی از کاربری های نظیر تعمیرگاه اتومبیل و ... در اغلب ورودی ها، قابلیت آن برای برخی از فعالیت های اجتماعی نظیر فعالیت های تفریحی از بین رفته است.

### جدول ۱: مقایسه ویژگی های شهر قدیم با شهر معاصر از منظر ورود به شهر

(ابلقی، و پورجوهری ۱۳۸۵).

زمینه(موضوع)	ویژگی های شهر معاصر	ویژگی های شهر قدیم
مرز شهری	تاثیرپذیری حدود شهر از عوامل فیزیکی متعدد	وجود عامل فیزیکی تعیین کننده حدود شهر
رشد درونی و بیرونی شهر	توسعه کالبدی شهرها در امتداد ورودی ها صورت می پذیرد ورودی های شهر در جریان توسعه به بخش های درونی شهر منضم می گردد	در هنگام احداث حصار در پیرامون شهر، ظرفیت های خالی جهت توسعه آتی شهر(درون حصار شهر) منظور می شده است
نظارت پذیری	تعداد ورودی های شهر نظارت پذیری جریان ورود به شهر را کاهش می گردد	به دلیل محدود بودن دروازه ها جریان ورود به شهر نظارت پذیر بوده است
کارکردهای متنوع	مبادی بر اساس کارکردهای مختلف رده بندی می گردند: کارکرد ارتباطی کارکرد گردشگری کارکرد اجتماعی کارکرد صنعتی	دروازه ها بر اساس کارکردهای مختلف رده بندی می گردند: کارکرد ارتباطی کارکرد دفاعی-امنیتی کارکرد اجتماعی کارکرد اقتصادی و ...
ارتباط ورودی ها با یکدیگر	ارتباط مستقیم ورودی های شهر با یکدیگر(در صورت وجود) از طریق کمربندی های پیرامون شهر( و نه بوسیله استخوان بندی) صورت می گیرد	ارتباط دروازه های شهر با یکدیگر از طریق استخوانبندی شهر صورت می پذیرفته است

ویژگی نمادین (سمبولیک)	مبادی ورودی شهرها به ندرت عامل شناسایی شهر محسوب می گردند	بنای دروازه ها سمبول شناسایی شهر و نمودار فرهنگ، هنر و ذوق شهروندان بوده است
فعالیت های سکونتی و خدماتی	سکونت حاشیه ای در عرصه مبادی ورودی شهر قابل مشاهده است	دروازه ها کانون تمرکز برخی از فعالیت های اجتماعی اصلی مردم ساکن در شهر بوده اند. آستانه های خارجی بستر تمرکز فعالیت های خدماتی (و نه سکونت) بوده است
سرعت حرکت	سرعت بالا با دامنه تغییر زیاد و تنوع ابزار حرکت انتقال مفاهیم ورود به شهر را ناگهانی کرده است	در اثر کم و محدود بودن دامنه تغییر سرعت، ناشی از ویژگی های حمل حرکت (چارپایان)، انتقال مفاهیم ورود با طمانینه و به آرامی صورت می پذیرفته و یکمرتبیگی در مواجهه با شهر برای مسافر پدید نمی آمده است
نفوذ ورود به بطن شهر	پیچیده تر شدن ساخت فضایی و تغییر روحیه عملکردی شهرها، امکان و ضرورت نفوذ جاده های دسترسی به عمق شهر و دسترسی مستقیم به استخوان بندی اصلی شهر را ایجاب می نماید	تداوم جاده های دسترسی به شهر تا اعماق لایه های درونی شهر و دسترسی مستقیم به استخوان بندی اصلی شهر
تعامل بازار اصلی شهر و مبادی ورودی	ماهیت فعالیت های بازرگانی معاصر ضرورتی به ارتباط بازار اصلی شهر تا ورودی ها را ایجاب نمی نماید.	
عرصه فضایی	تعریف ورود به شهر می یابد در یک عرصه فضایی تحقق یابد (عرصه های ورود روانی، ورود بصری، ورود فیزیکی)	
مکث و توقف (آداب و رسوم)	فرآیند ورود به شهر غالباً بدون انجام مکث انجام می شود. برای ورود به شهر آداب و رسوم ویژه ای وجود ندارد.	

### ساماندهی مبادی ورودی شهرهای امروز

با مشاهده استخوان بندی شهرهای قدیم ایران می توان دریافت که ورودی شهر یکی از اجزای استخوان بندی شهر بودند که در امتداد آن واقع شده و بیرون شهر را به داخل آن پیوند می دادند. در شهرهای امروز نیز ورودی باید جزئی از استخوان بندی شهر و محل تبدیل کارکردهای برون شهری به عملکردهای درون شهر باشد و سلسله مراتب عملکردی و بصری شهر گذشته را احیاء کند. از سوی دیگر به دلیل گستردگی شهر امروز و سرعت وسایل نقلیه، که موجب درک فضای بیشتر در مدت زمان کوتاه تر می شود، فرم شهر در محل ورود باید نمایانگر و پذیرای ورود باشد و اگر فضای خارج شهر را به عنوان فضای عمومی و فضای داخل شهر را به عنوان فضای خصوصی در نظر بگیریم ورودی باید بتواند محصوریت فضایی را هنگام ورود به شهر القاء کند. به تعبیر دیگر ورودی باید در مقیاس شهرهای امروزی بوده و دیگر نمی تواند منحصر به یک بنا، یا یک دروازه باشد. همچنین کارکردهایی که در فضای ورودی شهر قرار می گیرند باید پاسخ گوی نیازهای ورود باشند. اما از آنجایی که این



عملکرد ها هم در خدمت وارد شوندگان به شهر و هم در خدمت عبور کنندگان از شهر است، باید به ترتیب قرار گیری آنها رعایت شود تا ترافیک عبوری بی جهت به داخل شهر منتقل نگردد (نقصان محمدی، و ریسمان باف، ۱۳۹۲).

همانطور که بیان شد این عملکردها و فرآیندها هستند که تجربه های حسی فضا، آداب ورود، حریم های خصوصی و عمومی و فاصله بین شهر و غیر شهر را فعال می نماید. بنابراین بیش از اینکه به ورودی به عنوان یک نقطه تفکیک برون و درون، نگریسته شود، باید بدان به عنوان فرآیندی در راستای انفصال داخل و خارج نگریست. ورودی، مفصلی است که هم در عرصه داخلی و هم در عرصه خارجی نفوذ کرده است و ویژگی های آن هر چه که از برون به درون می رویم، نزدیکتر به ویژگی های عرصه داخلی می شود و بالعکس. بنابراین در طراحی ورودی می بایست به این اصول که ورودی دارای دعوت کنندگی، رعایت سلسله مراتب کاربری فضا از برون به درون، هویت شهر و وضوح و خوانایی باشد توجه نمود (مبادی ورودی شهر، نظام مهندسی خراسان شمالی، ۹۲: ۲۹).

اگر ورودی را یک محور در نظر بگیریم، بنا به طراحی فضاهای شهری دکتر پاکزاد، طراحی آن شامل دو بخش جداره و بستر خواهد بود. جداره محور ورودی شهر در پنج سطح کاربری، فضای باز و بسته، تراکم ساختمانی، اجزاء و عناصر نما و دانه بندی طراحی می شود. بستر ورودی نیز در سه سطح سلسله مراتب پیاده و سواره، پوشش گیاهی و اجزاء و عناصر بستر قابل بررسی است.

#### عوامل موثر در طراحی فضا و محیط پیرامونی مسیرهای ورود به شهر

بخش عمده ادراک ما از فضا، نخست بصری است و ادراک بصری در وهله اول فضایی است. با حرکت در فضا، محیط یک فضا، آن فضا به صورت فضایی منسجم درک شده و حس خاصی نسبت به آن مکان پیدا می شود. در این حالت فضا دارای حس مکانی قوی تر و پر معنایی خواهد بود و پیوسته و کامل به نظر می رسد. ولی اگر عناصر موجود در فضا، پیوستگی و ارتباط لازم را با یکدیگر نداشته باشند، فضا مبهم و ناهنجار جلوه می کند و از نظر بصری، فاقد انسجام و حس مکانیت خواهد بود. در طراحی فضاها، برای یادمان سازی و ایجاد محرک های بصری، از شیوه های مختلفی می توان بهره برد که هر یک در تغییر، تنوع، وحدت و توالی فضاها در طول یک مسیر، در القای فضای ادراکی و ایجاد حس مکانی قوی عمل کرده و آن را تشدید می کنند. مهمترین این عوامل عبارتند از: میزان محصوریت فضایی، لبه فضا، تسلسل فضایی و سرعت حرکت (جان. ل. ماتلاک، ۱۳۷۹: ۳۹۰-۴۱۰).

در طراحی مسیرهای ورود به شهر، سرعت حرکت نقش عمده ای ایفا می کند، بنابراین باید نقش سرعت و حرکت در محیط و منظر و تاثیر آن بر ادراک مد نظر قرار گیرد. اینکه فردی با پای پیاده یا اسب و وسایل نقلیه کند رو (کالسکه، کجاوه و پالکی) وارد شهر شود و ورود به شهر را با تمام وجودش احساس و تجربه کند، مربوط به گذشته است. به هر حال تجربه کردن شهر در حین حرکت و جابجایی در امتداد یک مسیر، به نحوی که به هنگام نزدیک شدن به شهر، بتدریج هیبت و شکل و شمایل شهر برای فرد متحرک آشکار گردد و وی لحظه ای، خود را در مدخل ورودی شهر حس کند، هنوز هم جزء خصوصیات یک شهر محسوب می شود. فقط نوع حرکت و میزان سرعت فرد به دلیل استفاده از وسایل نقلیه موتوری، تغییر پیدا کرده است (قریب، ۱۳۸۲: ۲).

برای مثال بیش از یک دهم ثانیه زمان لازم است، تا بین چشم و منظره ای که چشم به آن دوخته شده است، رابطه نسبتاً ثابتی برقرار شود، تا بتوان آن را درک کرد و بنابراین مدت زمان چشم دوختن، در طراحی مسیر، اصل مهمی محسوب می شود. زمانی که راننده در یک محیط، در حال حرکت است، رابطه میان چشم او و مناظر مدام در حال دگرگونی است. این دگرگونی در مورد اجسام نزدیک به راننده در حال حرکت که به آنها چشم دوخته است، سریع اتفاق می افتد و اشیایی که در فاصله نزدیکی از یکدیگر قرار دارند، به صورت اجمال دیده می شوند، ولی راننده قادر است محیط و مناظر دور دست را کاملاً

مشاهده کند. بنابراین در طراحی فضاها، باید تناسبات، لبه ها، ویژگی های ریتم دار یا خطی فضا را طوری تنظیم کرد که سرعت حرکت و ادراک فضا را به صورتی ترتیب داد تا با حرکت ناظر در محیط و منظر، تجربه او از فضا بیشترین حد برسد. عنصری که در فضا قرار می گیرد، کیفیتی مجسمه وار پیدا می کند، اگرچه به صورت فرم شناخته می شود، ولی رابطه ای متقابل با فضا برقرار کرده و آن را تعریف می کند. با حرکت فرد در فضا و تغییر موقعیت او، رابطه ای پویا و متحول میان عناصر و فضا، عنصر و لبه فضا و عنصر و سایر عناصر شکل می گیرد و فضا برای فرد دارای هویت می گردد. این عناصر را که به فضا هویت می بخشد، می توان به دو دسته عناصر مصنوع و طبیعی تقسیم کرد. بدین ترتیب آثار و ابنیه معماری در رده عناصر مصنوع و آب و گیاهان و پستی و بلندی ها در رده عناصر طبیعی واقع می شوند. بنابراین امکانات هویت بخشیدن به فضا با استفاده از هریک از این دو دسته عناصر یا ترکیبی از آنها میسر می شود. البته عناصر مصنوع اصلی فرض می شوند و از عناصر طبیعی، برای کمک در تعریف فضای ایجاد شده با آنها استفاده می شود (جان.ل.ماتلاک، ۱۳۷۹: ۲۶۶-۲۷۵).

در گذشته برای تعریف مکان ورودی شهرها، از عناصر مصنوع دروازه، حصار، برج دیده بانی، خندق و باروها استفاده می شد و تعریف فضا با عناصر طبیعی به معنای امروزی اش مفهومی نداشت، فقط چند فضای خاص مانند فضای سبز یا باغ ها با عناصر طبیعی تعریف می شدند. اما با تغییر سرعت حرکت و نوع وسایل رفت و آمد و با توجه به مطالبی که قبلاً ذکر شده می توان عناصر طبیعی، بویژه گیاهان (درختان)، در تعریف ورودی شهرها کمک گرفت و با طراحی نحوه استقرار درختان با شکل های گوناگون در مسیر ورودی، مسافران و بازدید کنندگان شهر را برای تجربه کردن شهر آماده ساخت و به جای حرکت در بین ابنیه فرسوده و کارگاه های متروک، مناطق صنعتی یا حتی مسیرهای خشک و برهوت که به ناگاه به بافت متراکم شهری می پیوندند، او را در مسیری مفرح و سرزنده، از میان فضای پر درخت عبور داد که به واسطه نوع، شکل و تراکم و ترتیب استقرارشان در کنار یکدیگر می توانند زبان گویای ورودی، به ویژه شهر باشند و این مسیر را از سایر مسیرها متمایز گردانند.

## جدول ۲: اهداف، راهبردها و سیاست های ورودی شهر

(برگرفته شده از کتاب راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، جهانشاد پاکزاد، چاپ هفتم، ۱۵:۹۳)

هدف	راهبرد	سیاست
نمادین بودین	کالبد	عدم تقلید از ورودی سایر شهرها بخصوص شهرهای بزرگ
		استفاده از سبک و مصالح بومی و محلی خاص شهر
تشخیص نقش انگیزی	کالبد	حفظ توپوگرافی و کاراکترهای طبیعی
		استفاده از کاربری هایی که نشانگر فعالیت های مردم و منطقه باشد
انعطاف	کاربری	کاربری های تجاری خدماتی در ارتباط با فعالیت های لایه های پشت
		استفاده از عناصر معماری محل در ساخت و ساز احجام و مصالح مصرف اقلیم و معماری منطقه
	کالبد	حفظ دانه ها و احجام شاخص دوره های تاریخی برای تقویت خاطره ها از شهر
		انطباق ساخت و سازها و پوشش گیاهی با اقلیم منطقه
کاربری	انطباق مسیر با توپوگرافی خاص محل	
	حفظ و نگهداری کاربری های با سابقه در هر حوزه برای تداوم شخصیت	
کاربری	حضور کاربری های نشانگر فعالیت های اقتصادی، اجتماعی شهر	
	شناسایی تصویر ذهنی مسافری و شهروندان از ورودی شهر	
کالبد	حفظ دانه های شاخص حوزه ورودی	

قابلیت تبدیل دانه بندی احجام به عناصر داخلی شهر هنگام توسعه شهر	-		
قابلیت تبدیل کاربری های حوزه ورودی به کاربری های داخل شهر هنگام توسعه شهر	-	کاربری	
قرار گیری کاربریهای آلودگی زا مانند تعمیرگاه در مجتمع هایی در لایه دوم	-		
ایجاد باندهای تندرو و کندرو برای حرکت و مکث مسافری	-	کالبد	راحتی - داشتن
دسترسی سریع و راحت به نقاط مورد نیاز در طول مسیر	-		
ایجاد کاربری های که نیاز مسافری را تامین می کند	-	کاربری	امکانات رفاهی
ایجاد کاربری های مورد نیاز ساکنین	-		
کاشت پوشش گیاهی در طرفین جاده	-	حضور عناصر طبیعی	پذیرندگی
حفظ و تقویت حضور عناصر طبیعی اعم از دریاچه، کوه، جنگل و ...	-		
بسته شدن دید توسط عناصر کالبدی و احجام	-	حفظ و	دلبازی
گشودن دید به عناصر طبیعی و نقاط شاخص شهر	-	تقویت	
طول متناسب با عرض به نحوی که نقطه گریز منطبق با عناصر نشانه های شاخص شهری باشد.	-	دیدها و مناظر	
تنظیم شیب ها به گونه ای که دید نسبت به نقاط مرتفع یا در عمق بسته نشود	-	قابل رویت	
پرهیز از به کار بردن قوس های با شعاع کم در مسیرهای منحنی	-	بودن	
تامین روشنایی کافی و متناسب در شب	-	مسیر	وضوح مسیر
جلوگیری از پارک خودروها در حاشیه باند تندرو و در نزدیکی تقاطع ها و خروجی ها	-	فقدان موانع	
پرهیز از تغییر ناگهانی عرض مسیر به ویژه در باند تندرو	-	مزاحم	
پرهیز از ایجاد ناهمواری ها و پستی و بلندی های ناگهانی در مسیر	-	دید	
عدم مسدود نمودن و مزاحمت دید توسط جداول، تابلوهای راهنما و تبلیغاتی	-		
دیده شدن نشانه های شاخص شهر که در جهت یابی موثر هستند	-	جهت یابی	خوانایی
ووح و قابل رویت بودن خروجی ها و تقاطع ها از فاصله مناسب برای تصمیم گیری	-	سریع	
قرار گیری تابلوهای تعیین مسیر به فاصله مناسب قبل از تقاطع و خروجی ها	-		
تمایز جداره ها در نزدیکی خروجی ها و تقاطع ها به گونه ای که راننده را متوجه کند	-	تقاطع ها	راهبری
باریک شدن تدریجی زاویه دید بوسیله پوشش های گیاهی و مانند آن	-		
تمرکز دید روی عناصر شاخص شهر در هر سکansı	-	هدایت دید	
امتداد دید هر بخش از مسیر به یک عنصر منتهی شود	-		
تقویت احساس نزدیک شدن به شهر در مسیرهای پر و پیچ و خم و یا پستی بلندی ها از طریق رویت نشانه ها	-		

تقارن نسبی در جداره های طرفین	-	کالبد	نظم
حفظ محصوریت در امتداد حرکت	-		
حفظ سلسله مراتب در ریتم ضمن حرکت	-	سلسله مراتب	نظم
ریز شدن و تدفیق جزئیات بدنه ها ضمن نزدیک شدن به شهر	-		
ترکیب تدریجی و تیسیر از طبیعت به مصنوع	-		
ظهور تدریجی و گاه به گاه سیلوئت شهر و نشانه های شاخص آن ضمن حرکت	-		

### ۵. نتیجه گیری

شهر فضای واسط و حوزه های انتقالی میان محیط مصنوع شهر و محیط های پیرامون آن هستند. ورودی شهر می تواند نماد و نشانه شهر و نماینده فرهنگ و معماری مردم باشد عنصر مهم و شاخص فضای ورودی در شهرهای قدیم دروازه است. معمولا فضای ورودی شهرهای دوران گذشته با دروازه شناخته می شد.

در مبحث ورودی می توان به هویت مندی نیز اشاره کرد. هویت مکانی بخشی از زیر ساخت هویت فردی انسان و حاصل شناخت های عمومی او درباره جهان فیزیکی است که انسان در آن زندگی می کند. باید بین هویت مکانی و هویت مکان تفاوت قایل شد، هویت مکانی به عنوان بخشی از هویت فرد مطرح است. اما هویت مکان به ویژگی هایی قابل تشخیص مکان بیرونی اشاره دارد.

با مشاهده استخوان بندی شهرهای قدیم ایران می توان دریافت که ورودی شهر یکی از اجزای استخوان بندی شهر بودند که در امتداد آن واقع شده و بیرون شهر را به داخل آن پیوند می دادند. در شهرهای امروز نیز ورودی باید جزئی از استخوان بندی شهر و محل تبدیل کارکردهای برون شهری به عملکردهای درون شهر باشد و سلسله مراتب عملکردی و بصری شهر گذشته را احیاء کند. در طراحی مسیرهای ورود به شهر، سرعت حرکت نقش عمده ای ایفا می کند، بنابراین باید نقش سرعت و حرکت در محیط و منظر و تاثیر آن بر ادراک مد نظر قرار گیرد. در گذشته برای تعریف مکان ورودی شهرها، از عناصر مصنوع دروازه، حصار، برج دیده بانی، خندق و باروها استفاده می شد و تعریف فضا با عناصر طبیعی به معنای امروزی اش مفهومی نداشت، فقط چند فضای خاص مانند فضای سبز یا باغ ها با عناصر طبیعی تعریف می شدند. اما با تغییر سرعت حرکت و نوع وسایل رفت و آمد و با توجه به مطالبی که قبلا ذکر شده می توان عناصر طبیعی، بویژه گیاهان(درختان)، در تعریف ورودی شهرها کمک گرفت و با طراحی نحوه استقرار درختان با شکل های گوناگون در مسیر ورودی، مسافران و بازدید کنندگان شهر را برای تجربه کردن شهر آماده ساخت و به جای حرکت در بین ابنیه فرسوده و کارگاه های متروک، مناطق صنعتی یا حتی مسیرهای خشک و برهوت که به ناگاه به بافت مترکم شهری می پیوندند، او را در مسیری مفرح و سرزنده، از میان فضای پر درخت عبور داد که به واسطه نوع، شکل و تراکم و ترتیب استقرارشان در کنار یکدیگر می توانند زبان گویای ورودی، به ویژه شهر باشند و این مسیر را از سایر مسیرها متمایز گردانند.

### منابع

- ۱- ابلقی، علیرضا و امیر حسین پورجوهری، مبادی ورودی شهرها و تدوین اصول و معیارهای ساماندهی برای بازیابی یک فضای شهری فراموش شده، مجله آبادی شماره ۵۳، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۵
- ۲- بازرگان، عباس، سرمد، زهره، حجازی، الهه (۱۳۸۵) روش های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه.
- ۳- بحرینی، سیدحسین و ناهید علی طالب بابل، تدوین اصول و ضوابط طراحی محیط ورودی شهر، مجله محیط شناسی، شماره ۸، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲

- ۴- پاکزاد، جهانشاه، راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، چاپ دوم، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری، شورای انتشارات، ۱۳۸۵
- ۵- پاکزاد، جهانشاه، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، انتشارات شهیدی، ۱۳۸۵
- ۶- بهزاد فر، مصطفی، هویت شهر نگاهی به هویت شهر تهران، نشر شهر، ۱۳۹۰
- ۷- جان. ل. ماتلاک، آشنایی با طراحی محیط و منظر، جلد دوم، سازمان پارک ها و فضای سبز تهران ۱۳۷۹:۳۹۰-۴۱۰.
- ۸- رضازاده، راضیه (۱۳۸۰) بحران ادراکی- رفتاری در فضای شهری، ماهنامه شهر داریها، سال دوم، شماره ۲۳، ویژه نامه شماره ۵.
- ۹- زیبا سازی ورودی شهر، دانش زیبا سازی، جلد ۲۰، ۱۳۹۲
- ۱۰- قدمی، مصطفی، ملک شاهی، غلامرضا، بررسی کیفیت کالبدی و کارکردی مبادی ورودی شهری نمونه موردی شهر بابلسر، نشریه جغرافیا و توسعه، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۰
- ۱۱- قریب، فریدون، ضوابط ساماندهی و معیارهای طراحی شهری برای مبادی ورودی شهر، نشریه هنرهای زیبا، ۲:۱۳۸۲.
- ۱۲- مبادی ورودی شهر حلقه های گمشده بافت شهری، سازمان نظام مهندسی استان خراسان شمالی، ۱۳۹۲.
- ۱۳- نمادها و شهرها، دانش زیباسازی شهری، جلد ۳۶، ۱۳۹۲.
- ۱۴- نقصان محمدی، محمدرضا و پریسا ریسمان باف، ۱۳۹۲، بررسی و ارزیابی کیفیت و تاثیر فضای ورودی شهرها در شهرسازی پایدار، دومین همایش ملی توسعه پایدار در مناطق خشک و نیمه خشک، ابرکوه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابرکوه.
- ۱۵- Statistical Yearbook, Unesco, ۱۹۹۸.